

پس از سی و سه سال، دیگر زمان آزمون و خطا نیست

همکاران در تهران و استان‌ها در حال فرستادن نامه‌ای به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هستند (یا شاید تاکنون فرستاده‌اند)، که در آن به دادن پروانه‌ی تاسیس به دکترای تک رشته و اخواهی (اعتراض) کرده‌اند. در بخشی از این نامه آمده است:

"بدیهی است که فلسفه‌ی وجودی رشته‌های علوم پایه تحقیق و تفحص در زمینه‌های خاص علمی است و ارایه خدمات بالینی در آموزش‌های مرتبط با این دوره‌ها دیده نشده است و استدلال آزمایشگاه مرجع سلامت (مرجع تدوین کننده آیین نامه) مبنی بر ارتقاء سطح تشخیصی آزمایشگاه از طریق اعطای مجوز تاسیس آزمایشگاه خصوصی پایه‌ی علمی ندارد، چرا که در حال حاضر بسیاری از آزمایشگاه‌های پزشکی ما از عدم تطابق با بالین بیمار رنج می‌برند و اعطای پروانه‌ی تاسیس به تک رشته‌های علوم پایه نه تنها مشکلی را در این میان حل نمی‌کند، بلکه خود مشکلات جدیدی را به وجود آورده است."

از دید نگارنده، پس از سی و سه سال، دیگر زمان آزمون و خطا نیست. چنین کاری در هیچ جای جهان انجام نشده است. در آمریکا، کسانی که دارای دکترای (P.D.h) Doctor of Philosophy، (M.D) Doctor of Medicine، (D.S.c) Doctor of Science، (D.O) Doctor of Osteopathy و نیز دکترای دامپزشکی، دندانپزشکی و دکترای بهداشت عمومی، و سپس با داشتن آموزش پسا دکترا تخصصی و نیز داشتن کارآموزی بسنده، در یک مرکز پذیرفته شده که در آن استادان دارای بورس تخصصی باشند، بر پایه‌ی یک جدول می‌توانند برای بورس تخصصی نام نویسی کنند. به کوتاه می‌توانیم بگوییم که اگر کسی یکی از دکترای یاد شده‌ی بالا را داشته باشد، پس از دکترا یک دوره دو ساله دیده باشد و یا اگر ندیده باشد، سه سال به

گونه‌ی تمام وقت (هفته‌ای دست کم سی ساعت) در بخش تخصصی آن رشته کار کرده باشد، می‌تواند برای گرفتن بورس در رشته‌ی ایمنولوژی یا میکروب شناسی نام نویسی کند. به دیگر سخن، همکاران تک رشته که پس از دکترای خود، باید دست کم سه سال آموزش همراه با کارآموزی داشته باشند که بتوانند برای آزمون بورس تخصصی آن رشته نام نویسی کنند، پس از گرفتن بورس، تازه می‌توانند در بخش وابسته به آن رشته، کار و سرپرستی کنند. البته آزمون بورس هم به راستی دشوار است و نزدیک به ۱۰ درصد بیشتر پذیرفته نمی‌شوند. بیست و نه سال پیش در شهر ما، یک آزمایش تک رشته‌ای میکروب شناسی برپا شده بود. برپایه آیین نامه، نمی‌توانست آزمایش‌های بیوشیمی و خون شناسی ببیند. اما آن آزمایشگاه همه گونه آزمایشی را می‌پذیرفت. این آزمایشگاه تک رشته، که بر روی تابلویش، آزمایشگاه تخصصی نگاهشده شده بود، بیماران بسیاری می‌پذیرفت. او به تنهایی بیشتر از چهار پنج آزمایشگاه خصوصی دیگر شهر، مایه دردسر مسوولان و همکاران شده بود. او به راستی انرژی مسوولان بهداشتی و سال‌های دیرتر دانشگاه را می‌گرفت. روشن است که اگر این همکاران پروانه تاسیس بگیرند، اگر مسوول دلخواه پیدا نکنند، دوباره درخواست آزمایشگاه تک رشته‌ای می‌کنند و در دسرها آغاز می‌شود. بی‌گمان بیشتر همکاران تک رشته‌ای ما انسان‌های فرهیخته و خدمتگزارند. اما به ناگزیر با چالش‌ها و دردسرهایی روبرو می‌شوند که گریز ناپذیر است.

شاید راهکار این چالش این باشد که موسس دست کم دو نفر (متخصص میکروب شناسی پزشکی همراه با بیوشیمی بالینی) باشد. بی‌گمان مسوولان هم باید دو یا سه نفر تک رشته باشند. به هر روی موسسان نباید از مسوولان جدا باشند.